



ایران: بحران حقوق بشری نظارت بین المللی را ضروری می سازد

آبان 1389 نمایه عفو بین الملل: MDE 13/096/2010

نظر به وخامت وضعیت حقوق بشر در ایران، امتناع مقامات دولت ایران از همکاری با نهادهای موجود حقوق بشری در سطح بین المللی، و مخالفت آنها با توصیه های مشخص کشورهای عضو در بررسی ادواری عمومی در شورای حقوق بشر؛ عفو بین الملل، پروژه ائتلاف دمکراسی، دیده بان حقوق بشر، کمپین بین المللی برای حقوق بشر در ایران، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و سازمان عضو آن، جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران، مجمع عمومی سازمان ملل متحد را فرا می خوانند تا:

- از دبیر کل سازمان ملل متحد بخواهد گزارش جامع تری در باره وضعیت حقوق بشر در ایران منتشر کند؛
- از دبیر کل سازمان ملل متحد بخواهد به صورت ادواری در باره وضعیت حقوق بشر در ایران به شورای حقوق بشر گزارش دهد؛
- از کارشناسان ویژه سازمان ملل متحد به تاکید بخواهد به صورت ادواری در باره وضعیت حقوق بشر در ایران به شورای حقوق بشر گزارش دهند؛
- نماینده ویژه ای برای دبیر کل با اختیار تحقیق و گزارش در باره وضعیت حقوق بشر در ایران منصوب کند.

نقض گسترده حقوق بشر که در پی انتخابات مورد اختلاف ریاست جمهوری در سال 1388 آشکار شد یادآور وضعیت پرمخاطره آزادی های اساسی در این کشور بود. مقامات دولتی محدودیت های بیشتری بر آزادی بیان، گردهمایی و تشکل برقرار کردند. تظاهرات مسالمت آمیز ممنوع شد و معترضان مورد ضرب و جرح قرار گرفتند، خودسرانه دستگیر شدند و در بعضی موارد هدف گلوله واقع شدند. ده ها نفر در خیابان ها و در بازداشت به قتل رسیدند.

سپس مقامات دولتی ایران صدها نفر را ناعادلانه مورد محاکمه قرار دادند، از جمله در «دادگاه های نمایشی» دسته جمعی که هدف اصلی شان ظاهرا بخشیدن اعتبار به روایت خودشان از رویدادها و

انداختن تقصیر به عهده دیگران بود. در دی 1388، دو مرد که پس از «دادگاه‌های نمایشی» محکوم شده بودند به اتهام شرکت در تظاهرات اعدام شدند، با وجود این که پیش از انتخابات بازداشت شده بودند. حداقل هفت مرد و یک زن به اتهام جرم‌های مربوط به انتخابات و وقایع پس از آن هنوز زیر حکم اعدام به سر می‌برند، در حالی که عده‌ای دیگر پس از محکومیت به «جرم»‌های مبهمی مربوط به «امنیت ملی» به حبس‌هایی تا 15 سال محکوم شده‌اند. این محاکمه‌ها عدالت را به سخره گرفته‌اند.

این محاکمه‌ها معمولاً پس از آن برگزار می‌شود که متهمان دوره‌ای طولانی - اغلب در سلول انفرادی یا در بازداشت بدون هر گونه ارتباط بیرونی - در بازداشتگاه‌هایی به سر برده‌اند که در آنها شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر رایج است. وضعیت بد زندان، شامل محرومیت از رسیدگی پزشکی کافی، نیز برای اعمال فشار بیشتر بر زندانیان و خانواده‌هایشان نیز به کار گرفته شده است.

از زمان تصویب قطعنامه قبلی در باره وضعیت حقوق بشر در ایران، مقامات دولتی بعضی از احزاب سیاسی را ممنوع کرده‌اند؛ روزنامه‌ها را تعطیل کرده‌اند؛ به سازمان‌های حقوق بشری حمله نموده‌اند؛ روزنامه‌نگاران، فعالان سندیکایی و حقوق بشری را دستگیر کرده‌اند و امکان وکالت مناسب را از بازداشت‌شدگان دریغ ورزیده‌اند، زیرا حقوق وکلا نیز از طریق دستگیری یا اذیت و آزار آنها به قصد آشکار تضعیف نقش وکیل مدافع نقض شده است.

مقامات دولتی موفق شدند تا پایان 2009 (آذر 1388) تظاهرات را سرکوب کنند، اما هنوز به اذیت و آزار یا دستگیری منتقدان کارنامه حقوق بشر دولت و اشخاص دیگری که نظر مخالف ابراز می‌کنند - و بسیاری از آنها خودسرانه بازداشت شده‌اند - ادامه داده‌اند. مقامات دولتی فعالان حقوق زنان را دستگیر و به زندان محکوم کرده‌اند. آنها همچنین اعضای اقلیت‌های قومی را که خواهان احترام بیشتر به حقوق خود هستند، در حمله‌های خشونت‌آمیز، به ویژه در مناطق بلوچ و گُردنشین، دستگیر نموده‌اند. اعضای اقلیت‌های دینی، به ویژه اعضای جامعه غیررسمی بهایی، اشخاصی که از اسلام به مسیحیت گرویده‌اند، و دراویش دستگیر شده و گاهی به زندان‌های طولانی مدت محکوم شده‌اند.

مقامات دولتی ایران هنوز بیش از هر کشور دیگری - به جز چین - زندانیان را، اغلب به وسیله دار، اعدام می‌کنند. اعضای اقلیت‌ها، شامل خارجی‌ان - به ویژه اتباع افغانستان - بیشترین تعداد افراد زیر حکم اعدام را تشکیل می‌دهند. بسیاری از اعدام‌شدگان پس از محاکمه‌های به شدت پر ایراد به اتهام قتل یا قاچاق مواد مخدر محکوم شده‌اند. با نقض حقوق بشر بین‌المللی، مجازات اعدام ممکن است برای «جرم»‌هایی فی‌نفسه بدون قصد قتل - مثل «زنای محصنه»، «لواط»، «توهین به مقدسات» و «تشکیل گروه با هدف ضربه زدن به امنیت ملی یا عضویت در آن» - نیز صادر شود. از سال 1385 حداقل شش نفر به اتهام «زنای محصنه» به وسیله سنگسار اعدام شده‌اند. در سال 2009، ایران 388 نفر از جمله حداقل پنج مجرم نوجوان را اعدام کرد. در فاصله ژانویه تا اکتبر 2010 [دی 1388 تا مهر 1389]، ایران بیش از 220 نفر را اعدام کرده است، از جمله یک نفر که احتمالاً مجرم نوجوان بود.

حداقل 141 مجرم نوجوان در حال حاضر گویا به اتهام جرم هایی که پیش از 18 سالگی مرتکب شده اند در زیر حکم اعدام به سر می برند که ناقض تعهدات ایران برپایه عهدنامه های حقوق بین الملل است.

مقامات دولتی ایران تایید کرده اند که پس از انتخابات ریاست جمهوری تعدی هایی در بازداشتگاه کهریزک و خوابگاه های دانشگاه تهران رخ داده است، اما پس از تحقیقاتی شتابزده اتهام های دیگر مربوط به شکنجه - شامل ادعای تجاوز - و قتل های غیرقانونی را رد کرده اند. در واقع، مدارک حاکی از آن است که مقامات دولتی به هیچ وجه قصد ندارند از حقایق پرده بردارند: آنها دفاتر افرادی را که در باره تعدی ها مدارک و شواهد گردآوری می کردند بسته اند و بعضی از آنها را دستگیر کرده اند؛ پرونده ای در دادگاه علیه نامزد شکست خورده ریاست جمهوری مهدی کروبی - که به اظهار نگرانی در باره نقض حقوق بشر ادامه داده - تشکیل داده اند؛ و برای بی اعتبار کردن مدارک گردآوری شده اشخاصی را به میدان آورده اند که به دروغ مدعی هستند نامشان در فهرست کشتگان قرار دارد.

مقامات دولتی در عین حال به شدت می کوشند از نظارت بیرونی بر وقایع جلوگیری کنند، و این کوشش شامل خودداری آنها از همکاری با نهادهای حقوق بشری بین المللی سازمان ملل متحد است، در حالی که اعلام می کنند که به تعهدات بین المللی خود احترام می گذارند.

دعوت ایران از تمام این نهادها در سال 2002 با پایان دوره نظارت کمیسیون حقوق بشر بر این کشور مصادف شد. اما هفت نهادی که درخواست دیدار از ایران کرده اند در این راه با مانع مواجه هستند. از سال 2005 به بعد، هیچ کارشناس ویژه ای اجازه دیدار از ایران را نیافته است. در واقع، در طی بررسی ادواری عمومی در فوریه 2010 (بهمن 1388) دولت به صراحت از پذیرش توصیه هایی که خواهان دیدار بعضی از کارشناسان بودند سر باز زد.

گزارشگران ویژه شکنجه، استقلال قضات و وکلا، آزادی عقیده و بیان و مدافعان حقوق بشر، و نیز کارشناس مستقل مسایل اقلیتی، همگی درخواست دیدار از ایران کرده اما پاسخی دریافت نکرده اند. در این میان، گزارشگران ویژه اعدام های فراقضایی، فوری و خودسرانه، و آزادی دین و باور، و گروه تحقیق در باره ناپدید شدن های اجباری و غیرارادی، موافقت اصولی در مورد دیدار دریافت کرده اند، اما مقامات دولتی ایران هیچ تاریخ معینی را پیشنهاد نکرده اند.

در عین تایید این که ایران گزارش های خود را به مراجع مربوطه در عهدنامه ها ارائه کرده و کارنامه حقوق بشر آن در طی بررسی ادواری عمومی و به وسیله کمیته سازمان ملل برای رفع تمام اشکال تبعیض نژادی در مرداد 1389 مورد بررسی قرار گرفته است، این نهادها از امکان رسیدگی مناسب به بحران حقوق بشری نظیر بحرانی که کماکان در ایران رو به گسترش است برخوردار نیستند.

در طی بررسی ادواری عمومی در شورای حقوق بشر سازمان ملل، دولت ایران نه تنها گزارش تحریف شده ای از وضعیت در کشور ارائه کرد؛ بلکه توصیه های اساسی مشخص در باره آزادی بیان، گردهمایی و تشکل را رد و آنها را دارای انگیزه سیاسی توصیف نمود، ولی توصیه های کلی تر را پذیرفت.

نظر به این کارنامه، هر گونه اقدام ظاهری ایران به قصد افزایش همکاری با نهادهای حقوق بشری، مثل دعوت از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و از سرگیری احتمالی گفتگوی ایران با اتحادیه اروپا در باره حقوق بشر نباید توجه را از نیاز به خواست بین المللی برای بهبود قابل مشاهده در کشور منحرف کند.

کشورهای عضو که در شصت و پنجمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد گرد آمده اند، یک بار دیگر مدارک قاطع نقض حقوق بشر در ایران را که دبیر کل سازمان ملل متحد پیرو قطعنامه 64/176 مجمع عمومی در گزارش 2010 خود گرد آورده مشاهده می نمایند.¹ این مدارک واکنش نیرومند جامعه بین المللی را در پاسخ به کوتاهی مقامات دولتی ایران از توجه به نگرانی های مربوط به نقض جدی حقوق بشر و ممانعت آنها از نظارت بین المللی را الزامی می سازد. اقدامی هماهنگ ضروری است تا مردم ایران بتوانند از گستره کامل حقوق بشری که در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شده بهره بیشتری ببرند.

¹ وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: گزارش دبیر کل، 15، A/65/370، سپتامبر 2010، در http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=a%2F65%2F370&Lang=E